

ظرفیت توسعه اجتماعات محلی در کاهش فقر شهری و عوامل موثر بر توسعه آن مورد شناسی: نعمت آباد تهران (محلات جنوبی شهر تهران)

محمد اسکندری ثانی*، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

ژیلا سجادی، دانشکده علوم و زمین، دانشگاه شهید بهشتی

مظفر صرافی، دانشکده علوم و زمین، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

با توجه به تاکید روزافزون رویه و عمل برنامه ریزی در سطح بین المللی به توسعه اجتماعات محلی جهت کاهش فقر، متأسفانه در نظام برنامه ریزی کشورمان نه تنها به توسعه اجتماعات محلی و مکانیزمی که اینگونه اجتماعات می تواند در برخورد با فقر داشته باشند، توجهی نشده است، بلکه برنامه ریزان و تصمیم سازان نیز اطلاعات کمتری درباره نوع و ویژگیهای محلاتی که توانایی یا علاقه بیشتری در توسعه فعالیت های اجتماع محور دارند. بنابراین این تحقیق شامل تحلیل توصیفی و تحلیلی از ظرفیت و در عین حال تفاوت های فعالیت های توسعه اجتماعات محلی در قالب فرایند و نتیجه برای کاهش فقر است. بدین منظور این فعالیت ها در سه حوزه رفاه اجتماعی محله، اداره و مدیریت محله و مسایل اقتصادی و محیطی محلی دو محله میانه ای ها و دولتخواه های نعمت آباد (که از آن به عنوان منطقه فقیر نشین تهران یاد می شود) مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان می دهد که خانوارهای با وضعیت اقتصادی و تحصیلات متوسط، بعد خانوار وسیع تر، نرخ اشتغال بیشتر، سرپرستان با سن بالاتر، وابسته به اکثریت قومی و دارای اقوام و آشنایان بیشتر در محله، بیشترین مشارکت و کمک را در بعد زمان و منابع مالی در توسعه اجتماعات محلی داشتند و این در حالی است که زنان سرپرست خانوار و مهاجرین وارد شده در کمتر از دو سال اخیر کمترین مشارکت را در این فعالیت ها دارند. همچنین گرچه هویت جمعی و تا حدی سرمایه اجتماعی در هر دو محله در حد خوبی و حتی در متغیرهای زمینه ای و زبان و قومیت بین دو محله میانه ای ها و دولتخواه تفاوتی وجود ندارد، ولی ساکنان محله میانه ای ها توانسته اند ظرفیت اجتماع محلی خود را در جهت کنش جمعی تنظیم نموده که این کنش منجر به تحول و جهش اقتصادی و خارج شدن آنها از تله فضایی فقر شده است.

واژگان کلیدی

برنامه ریزی توسعه اجتماعات محلی، کنش جمعی، سرمایه اجتماعی، فقر شهری، نعمت آباد.

مقدمه

امروزه درک غالب از رویه و عمل برنامه ریزی به عنوان عملی است حرفه ای و تکنیکی که از سوی بخش دولتی صورت می پذیرد. بر مبنای این فهم، عمل برنامه ریزی شهری توسط مهندسان، اقتصاد دانان، سیاسیون و اخیراً توسط برنامه ریزان شهری صورت می گیرد. لیکن نکته مغفول مانده در این رویه، تاثیراتی است که شهروندان عادی و معمولی بر محیط شهری پیرامون خود دارند (Evan, 2002, 10). این مساله در جهان سوم بسیار پررنگ تر است زیرا تعداد بیشتری از مردم خارج از برنامه ریزی دولتی و چارچوب منظم آن یعنی در اسکان های غیر رسمی و مناطق کم درآمد و فقیر شهری زندگی می کنند (Davis, 2006). برنامه ریزان دولتی همانند سیستم سرمایه داری معمولاً به طور عمد از این گونه فضاهای شهری چشم پوشی می کنند، زیرا اینگونه فضاها نه برای آنها فرصتی برای سود (سرمایه داری) و نه مداخلات ضروری تقویت کننده سیاسی فراهم می کند که شواهد آن را می توان در افزایش غیر قابل پیش بینی سکونت گاههای غیر رسمی، افزایش فقر شهری و غیره مشاهده نمود (707; beard, 2013). اگر در جهت رفع این نقیصه، رویه برنامه ریزی خواسته باشد گام بردارد، (چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای در حال توسعه)، می باید بخش سومی جدا از بخش دولتی و بخش خصوصی (بازار) شکل بگیرد، که این بخش در برنامه ریزی شهری می تواند در قالب توسعه اجتماعات محلی، تشکیل سازمانهای عام المنفعه و ارگانهای غیردولتی و مردم نهاد شکل گیرد. بر همین منوال امروزه تغییراتی در مطالعات و برنامه های کاهش فقر در سطح بین المللی نیز رخ داده است. این تغییر با حرکت از سمت استراتژی بالا به پایین به درک، اندازه گیری و شناخت گروههای ذینفع و مشارکت حداکثری و دیدگاههای مبتنی بر اجتماع محلی شناخته می شود. انعکاس این تغییرات در رویه برنامه ریزی و برنامه های کاهش فقر، تاکید زیاد بر تجربیات فقرا و دانش درونی شان است که در آن فقرا به عنوان بازیگران کلیدی در مفهوم سازی فقر، شناسایی اولویت ها و کمک برای طراحی استراتژی های محلی کاهش فقر نقش پیدا می کنند (Chambers 1997; Rakodi and Lloyd-Jones 2002). این کار به درک گسترده تر از فقر کمک می کند. این درک جدید از محرومیت اقتصادی و مسائل مربوط به نیازهای اساسی بشر، دسترسی به زیرساخت ها و خدمات و محرومیت های اجتماعی فراتر می رود. یکی از پیش فرض های ذاتی در دیدگاه مذکور این است که گروههای "فقیر" در سطح اجتماعات محلی (به عنوان مثال گروههای زنان، اسکان غیر رسمی و یا اقلیت های قومی) دارای سختی های، مشکلات، و منافع مشترک هستند. این روش "مردم محور" کاهش فقر نشان می دهد که نه تنها فقرا به تلاش های کاهش فقر کمک می کنند بلکه هم ظرفیت و هم منابع لازم برای انجام این کار دارد (Beard, 2007, 608).

در کشورمان، برنامه های کاهش فقر با توجه به حمایت های ایدئولوژیک بعد از انقلاب و همزمان در اولین برنامه توسعه جدی گرفته شده و حتی می توان ادعا نمود که برنامه های مبارزه با فقر جزء الویتهای تمامی برنامه های توسعه می باشد. ولی با وجود تمامی تلاشها، همچنان مساله فقر به ویژه در کلانشهرها وجود دارد و بعضاً با گسترش و افزایش جمعیت و نیز محدود بودن منابع این شهرها برای پاسخ به توقعات و نیازهای ناشی از تغییر سبک زندگی، فقر شهری نیز در حال گسترش است. نشانه های این پدیده را می توان در گسترش اسکان غیر رسمی، اقتصاد دلال محور و غیره در سطح شهرها و به ویژه کلانشهرها مشاهده نمود. در مواجهه با این موضوع ابتدا این سوال به ذهن خطور می کند که چرا چه در سطح بین المللی و چه در سطح داخلی با وجود نگاه ها و توجهات ویژه از جمله توجه دستگاہهای اجرایی در غالب سندها و طرحهای مختلف به این

قشر، این معضل هنوز برطرف نشده و پایداری اقتصادی و به پیرو آن پایداری اجتماعی را برای شهرها در پی نداشته است؟ آیا این مناطق در دور تسلسل توسعه نیافتگی قرار گرفته اند؟ اگر پاسخ بلی است راهکار بنیادی و پایه ای برای خروج از آن کدام است؟ لیکن نکته کلیدی و در عین حال بسیار روشن در پاسخ به این سوالات این است که باید در نحوه برخورد با فقر شهری ساکنان تجدید نظر نموده و رویکردی جدیدی را اتخاذ نمود، زیرا اگر رویکردهای قبلی قادر به پاسخگویی و از بین بردن آن می بودند، پس چرا شاهد افزایش فقر شهری و تبعات حاصل از آن می باشیم؟ (Fridman, 2006, 14). در این راستا این مقاله به دنبال اهدافی چند است. اول، با توجه به توجه روزافزون رویه و عمل برنامه ریزی در سطح بین المللی به توسعه اجتماعات محلی در جهت کاهش فقر، به دنبال نهادینه کردن و توجه به توسعه اجتماعات محلی در نظام برنامه ریزی کشورمان، دوم پی بردن به مکانیزمی که اینگونه اجتماعات می تواند در برخورد با فقر داشته باشند و در نهایت شناخت ویژگیها و خصیصه های محلات شهری که توانایی یا علاقه بیشتری به مشارکت در توسعه فعالیت های اجتماع محور دارند. بر اساس راهبرد توسعه اجتماعات محلی اقدام به انتخاب دو محله در منتهی الیه جنوب شهر تهران (نعمت آباد که در اذهان به عنوان منطقه فقیرنشین یاد می شود) شده که به دنبال پاسخگویی به سوالات ذیل است. اول، چه عواملی در توسعه اجتماعات محلی در محلات جنوب کلانشهر تهران موثراند؟ دوم، چه عاملی باعث می شود ظرفیت این گونه اجتماعات در برخورد با فقر در محلات شهری، آنها را متفاوت از یکدیگر سازد؟

چارچوب نظری

اجتماعات محلی و کاهش فقر

برنامه ریزی توسعه اجتماعات محلی در دهه های اخیر به زمینه شناخته شده ای تبدیل شده که هم مورد علاقه ی کارورزان^۱ بوده و هم آکادمیسین ها قرار گرفته است. «توسعه ی اجتماع محلی» به طرق مختلفی تعریف شده است. بسیاری از کارورزان توسعه ی اجتماع را نتیجه^۲ - یعنی مجموعه ای از پیشرفت های مادی، اجتماعی و اقتصادی^۳ - می دانند، در حالی که غالب آکادمیسین ها توسعه ی اجتماع محلی^۴ را یک فرایند^۵ - توانایی اجتماعات برای انجام کنش دسته جمعی و ارتقای این توانایی - می دانند (Pittman & Phillips, 2009, 3). در این پژوهش توسعه ی اجتماع محلی هم به مثابه ی نتیجه و هم به منزله ی فرایند تعریف می شود. توسعه اجتماعات محلی به مثابه یک فرایند و به عنوان ابزاری در ارتقای مشارکت و حکمروایی مردم سالارانه در زمینه های مختلف اقتصادی - اجتماعی به کار گرفته می شود. در کل، توسعه اجتماع محور را می توان به مثابه فرایندی محسوب کرد که به موجب آن گروه های اجتماع محلی قادر به کنترل تصمیمات و تخصیص منابع از بالا جهت توسعه محلی شوند (ESCWA, 2004: 2). چنین تعریفی در واقع توسعه ی اجتماع را فرایندی آموزشی می دانند که شهروندان را قادر می سازد با تصمیم گیری گروهی به رتق و فتق مشکلات خود بپردازند. این دست از تعاریف «توسعه ی اجتماع محلی»، تعاریفی هستند که بر فرایند آموزش نحوه ی همکاری جهت حل مشکلات مشترک به مردم متمرکز می شوند. محققانی دیگر هستند که بیشتر از دریچه ی

1 - Practitioners

2 - Outcome

3 - Physical, social, and economic improvements

4 - community development

5 - Process

نتیجه به «توسعه‌ی اجتماع محلی» می‌نگرند: در نگاه این‌ها «توسعه‌ی اجتماع محلی» عبارت است از تصمیم‌گیری محلی و برنامه‌ی توسعه جهت دستیابی به اجتماعی بهتر برای کار و زندگی؛ یا منظور از «توسعه اجتماع محلی» نزد آنان این است که گروهی از افراد کنشی اجتماعی را برای تغییر وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی خود انجام دهند (Pittman & Phillips, 2009; 4).

از دیدگاهی دیگر می‌توان گفت، اجتماعات محلی بر دو محور می‌توانند، شکل گیرند: ۱- اجتماعات محلی کارکرد محور ۲- اجتماعات محلی مکان محور. بر اساس دیدگاه مکان محور، «اجتماع» یا «جامعه محلی» به گروهی از مردم اطلاق می‌شود که در مکانی معین ساکن هستند و میان آنان روابط متقابل مستقیم بر اساس تعلقات مشترک، سرنوشت مشترک و هویت مشترک وجود دارد. به نظر دیکنز «مکان محلی» تا حدود زیادی یک مجموعه کالبدی است که کنش متقابل انسانی، درون آن رخ می‌دهد و شامل مکانهایی مثل یک محله یا شهر می‌شود. در هر حال، اگرچه اصطلاح «اجتماع محلی» در معانی مختلف و متعدد به کار می‌رود ولی جوهر مشترک آنها معرف نوعی فضای اجتماعی است که در آن بعد مکانی و بعد اجتماعی وحدت پیدا کرده است (Mattessich & Monsey, 2004: 58). این مفهومی است که از نظر برنامه ریزی شهری بسیار حائز اهمیت است و بسیار به مفهوم «محله» در شهرهای قدیم ایران نزدیک است که امروزه، به دلیل تغییر ساختارها و عملکردهای شهری، کارکرد خود را تا حدود زیادی از دست داده است. در همین زمینه «جان فریدمن» نیز معتقد است که در مورد فضای برنامه ریزی باید فضای محلی و منطقه ای را بر فضای ملی و فراملی مقدم داشت. وی دارایی‌های ملموس شهرها را به هفت بخش، قابل تقسیم می‌داند که عبارتند از: دارایی‌های انسانی، اجتماعی، فرهنگی، فکری، طبیعی، زیست محیطی و شهری که سرمایه گذاری و ارج نهادن به این داری‌ها می‌باید اساسی‌ترین وظیفه مدیریت شهری باشد (saraffi, 2012).

این نوع مفهوم‌پردازی نشان می‌دهند که «توسعه‌ی اجتماع» را باید هم فرآیند دانست هم نتیجه. بنابراین می‌توان تعریف فراگیر زیر را از «توسعه اجتماع» که ناظر بر هر دو بعد فرآیند و نتیجه است، به دست داد: توسعه اجتماع «عبارت است از فرآیند توسعه و ارتقای توانایی انجام کنش دسته‌جمعی و نیز نتیجه‌ی آن: که عبارت است از ۱) انجام کنش دسته‌جمعی و ۲) نتیجه‌ی این کنش که در راستای ارتقای اجتماع در یک مکان از جهت یا جهات مختلف قرار می‌گیرد: مادی، محیطی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره». این چنین فرآیندی در مناطق فقیرنشین به حاشیه رانندگان را به متن آورده و به توانمندسازی و مقتدرسازی جمعی هدایت کرده و نتایج ذیل را به همراه دارد. ۱- کاهش فقر: توسعه اجتماع محور می‌تواند منجر به کاهش فقر از طریق تحرک بخشی به اجتماعات محلی، تقویت ظرفیت انسانی، و به‌کرد دارایی‌های کالبدی در سطح محلی شود. ۲- اولویت بندی نیازها: توسعه اجتماع محور می‌تواند منجر به بهبود ارائه، توجه و توزیع خدمات از طریق انطباق نیازها با امکان‌ها ساختن آنها شود. ۳- حکمروایی یا نظام تدبیر محلی: توسعه اجتماع محور می‌تواند منجر به ارتقای پاسخگویی به صدای فقرا، برقراری پیوند و رابطه بین آنها با نهادهای اداره محلی و افزایش دسترسی فقرا به فرآیندهای اداره محلی، شود (World Bank, 2006: 12). ۴- هدف‌گیری: توسعه اجتماع محور منجر به افزایش تنظیم خدمات و سرمایه‌گذاری‌ها با اولویت‌های اجتماع محلی و هدف‌گیری بهتر فقرا و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر و نیازمند می‌شود (World Bank, ibid). در این بین بیشتر پراگماتیسم‌ها و فمینیست‌ها بر گسترش این راهبرد به ویژه در برخورد با فقر تاکید دارند که در جدول ۱ می‌توان، روش‌شناسی مکاتب مختلف را در برخورد با فقر را مشاهده نمود.

کنش جمعی و سرمایه اجتماعی

کنش جمعی و سرمایه اجتماعی در کنار مدیریت شهری محله محور (در برخی کشورها حکومت محلی) شالوده اصلی برنامه ریزی توسعه اجتماعات محلی را در برخورد با فقر شهری تشکیل می دهد. با وجودی که این سه مقوله در برخی از موارد با هم همپوشانی مفهومی و روابط متقابل دارند، بکارگیری هر کدام از آنها به تنهایی توسط برنامه ریزان و سیاست گذاران، نتیجه گیری ناقص و مبهم را از اینکه چگونه اشکال مختلف برنامه ریزی مبتنی بر اجتماع محلی بر فقر تاثیر می گذارد، را در پی دارد. کنش جمعی را می توان کنشی دانست که در آن جمعی (بیش از یک نفر) برای رسیدن به نفع جمعی با هم همکاری می کنند. در این تعریف دو عنصر مهم و اساسی وجود دارد که شاکله کنش جمعی هستند: همکاری و خیر جمعی (اصغر پور ماسوله و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۵) که هر کدام از این دو مفاهیم دارای جزئیات فراوانی است که در این قسمت مجال بیان آنها نیست. عوامل موثر بر شکل گیری کنش های جمعی را می توان به چهار دسته عمده تقسیم نمود: دسته اول اجبارهای بیرونی است که خود شامل اجبارهای نظام کنترل مرکزی و اجبارهای غیرمتمرکز که از سوی مشارکت کنندگان در کنش جمعی می شود، دسته دوم نیازهای درونی کنشگران که شامل نیازهای ملموس و نیازهای غیر ملموس آنها می شود. دسته سوم هنجارهای موید کنش جمعی که از مهم ترین آنها هنجار تعهد اجتماعی است و دسته چهارم هویت جمعی کنشگران است (Elestr, 1989, 101). در سطح محله، کنش جمعی می تواند دامنه ای از بسیج شهروندان برای بهبود وضعیت کالبدی و محیطی محله (فاضلاب، نظافت خیابان و غیره) تا بسیج اجتماع برای بازتوزیع قدرت و تغییرات ساختاری وسیع (برای مثال کنترل بیشتر بر فرایند برنامه ریزی، توزیع منابع و خروجی های برنامه ریزی) را شامل شود. همچنین حوزه های مداخله کنش نیز می توانند در فرایند مشورت، الویت بندی ها، تصمیم سازی، اجرا و پیاده سازی و در نهایت ارزیابی طرحها باشد.

جدول ۱: نحوه برخورد با فقر و روش شناسی مکاتب فکری مختلف

انواع علوم	مکتب فکری	تعریف	نحوه برخورد با فقر	روش تحقیق
تجربی - تحلیلی	تجربه گرایی	تجربه گرایی به مکتبی اشاره دارد که معتقد است حقایق خود را بیان می کنند و نتیجتاً به تئوری کمتر متکی می باشند. در اینجا سوالات نرما تیبو که قابل اندازه گیری نیستند حذف می شود.	حقایق درباره فقر باید جمع آور و تفسیر شوند. به عنوان مثال شاخص های فقر، رفاه اجتماعی، وضعیت مسکن و غیره	ارایه حقایق تجربه شده
	پوزیتیویسم (مطلق گرایی)	پوزیویستها معتقدند که به وسیله جمع آوری دقیق اطلاعات در ارتباط با پدیده های اجتماعی می توانیم به قوانینی جهت پیش بینی و تبیین رفتار انسانها با رابطه ای علت و معلولی دست یابیم. پوزیویستها از آنچه قابل اندازه گیری نباشد اجتناب می ورزند.	فقر با آزمون علمی فرض ها بیان می شود. داده های مرتبط با فقر از طریق جمع آوری و آزمون علمی انجام می گیرد.	پیمایش، پرسشنامه، تحلیل ثانویه سایر داده های دست دوم

انواع علوم	مکتب فکری	تعریف	نحوه برخورد با فقر	روش تحقیق
تاریخی - هرمنوتیک (ارتباطات عملی، لفظی)	رفتار گرایی	رفتارگرایی بر صراحت تاکید دارد و بر این باور است که عملکرد انسان از طریق فرایند ذهنی اطلاعات منتقل می شود. در صدد ارائه مدلی از رفتار فضایی از طریق توضیح تصمیم سازی و انتخاب فضایی از طریق سنجش توانایی مردم در بخاطر داشتن، فرایند و ارزیابی اطلاعات جغرافیایی است	فقر از طریق آزمون علمی فرضیاتی بیان می شود که به بررسی تصمیمات رفتاری افراد فقیر و یا کسانی که در مصدر قدرت اند می پردازد.	تائید بیانیه ها پیمایش، پرسشنامه، آزمو نه‌های ویژه،
	پدیدارشناسی	پدیدار شناسی کمیت گرایی پوزویست ها و رفتار گراها را رد می کند و به جای آن تمرکز بر ادراک جهان را بر تبیین آن ترجیح می دهد. هدف آنها بازساخت جهان افراد، عملکرد و مفاهیم پدیده ها برای درک رفتار فردی بدون توجه به تئوریهای احتمالی است	درک فقر نیازمند بازساخت دنیای فقرا است. باید با نگاه فقرا به جهان نگریت. این امر با آگاهی از تجربیات زندگیشان از طریق گفتمان امکان پذیر است	مصاحبه عمیق - قوم نگاری
انتقادی (آزادی بخش - قدرت - ارتباط سلطه و محدودیت ها)	اگزیستالیسم	اگزیستالیسم بر این اساس متکی است که حقیقت از طریق عملکرد آزاده عوامل انسانی برای و به وسیله وی خلق می شود. این مکتب بر چگونگی خلق، معنی دادن افراد به دنیایشان و ارزش گذاری به اشیاء و دیگران تمرکز دارد.	درک فقر با تلاش در فهم عمیق از چگونگی شناخت، معنی دادن و کنش فقرا با جهان بدست می آید. با مصاحبه می توان پی برد که فقرا برای هزینه کردنهای مختلف چگونه تصمیم می گیرند	مصاحبه عمیق (محتوایی)، قوم نگاری، مشاهده شرکت کنندگان
	ایده ایسم	ایده ایستها، دنیای حقیقی خارج از مشاهدات فرد و آرایه اش وجود ندارد. در حالیکه اگزیستالیسم تمرکز بر حقیقت دارد ایده ایسم حقیقت را ساخته شده فکر می دانند. از این رو برای تشریح الگوهای رفتاری به دنبال درک پشتوانه های فکری آنهاست	فقر با تلاش در فهم عمیق از تصویری که افراد فقیر از فقر دارند درک می شود. با فقرا در باره احساسشان از فقیر بودن و اینکه چرا فکر می کنند که فقیرند مصاحبه کنید؟ در مقایسه با دیگر اقشار جامعه خود را چگونه می دانند؟	مصاحبه عمیق، مطالعات قوم نگاری
	پراگماتیسم	پراگماتیسم به جای تمرکز بر افراد توجه به جامعه و کنش افراد در جامعه را پیشنهاد می کند. استدلال می کند که ادراک باید از رفتارها که ریشه در تجربیات دارند و نه دانش استنباط شوند. با کنکاش در زندگی افراد جامعه می توان به ماهیت اعتقادات و خط مشی هایی که جامعه را می سازد پی برد	درک فقر با مشاهده چگونگی تعامل افراد جامعه برای تولید شرایطی که منجر به پایداری فقر می گردد عملی است. مثلا آیا تداوم فقر در نتیجه قرار گرفتن فقرا در چرخه جرم، آموزش ناکافی، کمی اعتماد به نفس و غیره است	مطالعات قوم نگاری، مشاهده شرکت کنندگان
	ماتریالیسم تاریخی	مارکسیستها معتقدند که جامعه به گونه ای شکل می گیرد که منجر به تولید سرمایه شود. بنابراین توجه بیشتر متمرکز به بررسی ساختار های سیاسی - اقتصادی جهت باز ساخت عوامل تولید سرمایه داری و مصرف می باشد. بر این اساس بررسی چگونگی عملکرد جامعه را در شرایط متفاوت اجتماعی پیشنهاد می کنند	فقر از طریق بررسی چگونگی استثمار فقرا برای بدست آوردن سرمایه توسط سرمایه داران بیان می شود. مثلا فقرا فقیر باقی می مانند چرا که به نفع سرمایه داری است که آنها غیر ماهر و با دستمزدهای پائین باقی بمانند	گفتمان، مشاهده و تفسیر داده های ثانویه

انواع علوم	مکتب فکری	تعریف	نحوه برخورد با فقر	روش تحقیق
	رنالیسم	رنالیستها علاقمند به مطالعه سازو کارها و ساختارهای روابط اجتماعی، هویت یابی عناصر وجودی حقیقت اند. بنابر این بجای مطالعه تعامل و روابط بین مردم به دنبال مکانیسم سیاست هایی که این روابط را به وجود می آورد می باشند. از این رو به دنبال مکانیسم علی و قوانین تجربی است. رنالیست ها در پی یافتن چه چیزی تغییرات را ایجاد می کند؟ چه چیزهایی باعث این اتفاق می شوند؟ و چه چیز این تغییر را میسر و یا تحمیلی می سازد؟	درک فقر با تلاش برای تعیین علت های ریشه ای از طریق بررسی مکانیسم اساسی عملکرد جامعه عملی می شود. مثلا وجود فقر به دلیل توسعه نا برابر ناشی از مدرن گرایی است.	ترکیبی از تحقیقات کمی و کیفی
	پست مدرنیسم	پست مدرنیستها مدرنیسم را در پی بردن به علت تفاوت هایی که در جامعه وجود دارد شکست خورده می دانند. پست مدرنیست ها معتقدند که پاسخ و ادعای کسی بر دیگری برتری ندارد و صدای کسی نباید از گفتمان ها حذف شود. همچنین ادعا می کنند که حقیقت مطلق وجود ندارد و هیچ واقعیتی خارج از تفسیر نیست. پست مدرنیسم ها بجای حقیقت در جستجوی مطالعه نه مشاهده، نه تفسیر و نه یافته ها بلکه جستجوی رابطه بین متون تا رابطه علت و معلولی می باشند	فقر با تلاش جهت بازسازی و مطالعه طروق مختلفی که فقر در جامعه ساخته و باز تولید می گردد درک می شود. چگونه فقرا از جامعه دفع می شوند. مثلا بررسی شیوه های که فقرا در نتیجه روابط نابرابر قدرت از جامعه دفع می شوند	بازسازی اعمال فرهنگی و اجتماعی
	پسا ساختارگرایی	پسا ساختارگرا ها زبان را رابطه بین اجتماع و فرهنگ و معنی داری فرهنگی وی را از طریق زبان می دانند بنابراین شیوه ای که ما زندگیمان را هدایت می کنیم، موانع و توانایی ها ایجاد شده زبان را متأثر می سازد. ساختارگرایان برای درک ما از عواملی که زندگیهای ما را شکل می دهد ساختار شکنی پیامهای متعددی که از طریق رویارویی با اشیاء به ما انتقال می یابد را پیشنهاد می کنند.	درک فقر با بررسی و ساختار شکنی هنجارهای نا مرتبط جامعه که از طریق فرهنگ اجرا و در زبان مرتبط می شوند امکان پذیری گردد. بررسی اینکه هنجارهای فرهنگی تا چه حد فرایندهای هنجاری نامرتبط را که در پی به حاشیه راندن فقرا از ثروت مادی است را تغذیه می کنند	ساختار شکنی زبان
	فیمنیست های انتقادی	فیمنیست ها بر این اعتقادند که علم توسط مردان تحت سلطه در آمده و علم منعکس کننده موقیت مردان به ویژه مردان سفید پوست، ثروتمند و غربی است. از این رو نیاز مبرم به بازتولید نقش و ساختار سازمانها و تولید دانش را پیشنهاد می کنند. در این راستا نیاز به درک روابط قدرت در جامعه می باشد. بنابراین شناخت ما از جهان انعکاسی است از مردمانی است که در آن زندگی می کنند	درک فقرا تلاش در اتخاذ دیدگاههای آزادی بخش تر و مقتدرسازی که به مردمان فقیر اجازه بیان تجربیات و دانش شان را می دهد امکان پذیر است. برای مثال از آنها در رابطه با اینکه جامعه باید چگونه باشد و چگونه باید سیستمی عادلانه ای داشت سوال می شود	ترکیبی از تحقیقات کمی و کیفی

مطالعات اولیه صورت گرفته درباره پتانسیل کنش جمعی در غلبه بر مشکلات محلی، مانند تسلط نخبگان بر اداره امور محله، بدبینانه است. برخی صاحب نظران بر این عقیده اند که تنها در شرایط نادر، گروهی از افراد

در یک عمل هماهنگ و شیوه جمعی شرکت می نمایند (Baland Gibson et al., 2000; Ostrom, 1995; and Platteau, 1996). به عنوان مثال، اوستروم (۱۹۹۵) استدلال می کند که افراد در یک جمع با توجه منافع مشترکشان بر اساس علاقه شخصی خود عمل نمی کنند. بلکه در یک گروه بزرگ، افراد با عقلانیت فردی به دنبال به حداکثر رساندن رفاه شخصی خود هستند و آنها تمایلی در پیشبرد اهداف مشترک گروه خود ندارند مگر اینکه اجبار و وادار آنها را به انجام این کار کند (Ostrom, 1995, 2). مطابق نظر وی، مشکل اصلی آن است که هیچ انگیزه و یا محرکی برای به اشتراک گذاشتن هزینه های کنش جمعی وجود ندارد و از طرف دیگر، هر یک از اعضای گروه ترجیح می دهند که اعضای دیگر کل هزینه اقدام جمعی را پرداخت کنند، از این رو مشکل «سواری مجانی»^۱ به وجود می آید. اولسون در عین حال معتقد است که گروه های کوچک نه تنها به لحاظ کمی، بلکه از لحاظ کیفی متفاوت از گروه های بزرگ اند زیرا که در گروه های کوچک تر مشکل سواری مجانی کاهش می یابد. به نظر می رسد که بسیاری از مشکلات کنونی جوامع شهری از آنجایی که نشأت می گیرد که عقلانیت فردی منتج به بی خردی جمعی شده است (Beard, 2006, 1453). از این رو است که در زمینه برنامه ریزی شهری می باید به گروههای کوچک و عقلانیت جمعی بیشتر توجه شود که برخورد با این مساله در برنامه ریزی اجتماعات محلی نمود پیدا می کند. اما در این نوع برنامه ریزی مشکلاتی نیز وجود دارد اول اینکه عدم انگیزه افراد در کمک به ارائه خدمات یا ارائه کالاهای عمومی در گروهی که شخص متعلق به آن است. دومین مشکل مربوط به مدیریت منابع عمومی محلی است که استفاده شخصی از منابع، مجموع منابع در دسترس را برای دیگران کاهش می دهد. کمبود سیستم نظارت بر مصرف شخصی، باعث می شود هر شخص به فکر استفاده بیش از حد نیاز و در نهایت از بین رفتن منابع محلی را در پی داشته باشد (Poteete and Ostrom, 2004). اما پژوهش های نوین، تئوری های اولیه را در ارتباط با مشکلات کنش جمعی به چالش کشیده اند و اظهار می دارند که افراد در یک اجتماع محلی توانایی های زیادی برای خلق تفاهات، سازمانها و سیستم مدیریتی که می تواند در طول زمان تکامل یابد و در عین حال از نتایج منفی آن جلوگیری نماید. اوستروم در مطالعات خود نشان داد که چگونه برخی افراد در گروه خود که دارای منافع مشترک اند، می توانند برای بدست آوردن سودهای مستمر و در عین حال از بین بردن سوارهای مجانی، شانه خالی کردن ها و یا عمل های فرصت طلبانه، گروه خود را اداره و مدیریت کنند. در همین راستا اگر اول نیز لیستی از شرایط توانایی مدیریت منابع برای پایداری اجتماع محلی دسته بندی نموده است که شامل (۱): ویژگی های سیستم منابع (به عنوان مثال، تعریف دقیق مرزها)، (۲) مشخصات گروه (به عنوان مثال، اندازه، هنجارها، هویت و منافع همگن)، (۳) روابط بین سیستم های منابع و مشخصه ها و ویژگی های گروه (به عنوان مثال، تخصیص از مزایای استفاده از منابع مشترک)، (۴) ترتیبات سازمانی (به عنوان مثال، اجرای قوانین)، (۵) رابطه بین سیستم منابع و ترتیبات نهادی (به عنوان مثال، تبدیل محدودیتها در استفاده از یک منبع خاص به الگوهای بازسازی آن منابع)، و (۶) محیط زیست پیرامونی (به عنوان مثال، فن آوری، نقش دولت مرکزی، رابطه به بازارهای خارجی) (Agrawal 2001, 1654). اگر چه مطالعات کنونی مورد مرتبط است با مساله فقر و نه مدیریت منابع طبیعی، بسیاری از عوامل که اگر اول^۲ شناسایی نموده است برای اقدام جمعی و برنامه ریزی اجتماع محور ضروری است.

6-Free Riding

7- Agrawal

اما هنوز یک سوال مهم اساسی باقی مانده است و آن این است که چرا برخی در برخی محلات، شهروندان قادر به غلبه یافتن بر مشکلات و موانع کار مشترک می شوند در حالی که دیگر محلات شکست می خورند. یافته های پژوهش های گروهی از محققین، فاکتورهای را بر شمرند که نشان می دهد که فاکتورهای از قبیل ناهمگونی اقتصادی و اجتماعی، وسعت جغرافیایی، وجود روابط افقی و طولی بین گروهی و همچنین نقش کلیدی نهادها و موسسات، تاثیر عمده ای بر روی جنبه های گوناگون کار جمعی دارند. از این رو روابط بین شبکه ها و گروهها، سطح اعتماد بین کنشگران و همچنین گونه های از آن که در فرایند توسعه کمک کننده است، در لوای سرمایه اجتماعی قابل بررسی است. هر چند مفهوم و مشارکت نهایی سرمایه اجتماعی در توسعه، موضوعی حل نشده در میان اندیشمندان به ویژه در حیطه سیاست گذاری عمومی است. ولی در تحقیقات امروزی، سرمایه اجتماعی به طور کلی به یکی از دو روش مفهومی می شود. اولی بر منافع که افراد از طریق عضویت در شبکه های اجتماعی به دست می آورند و مفهوم دومی مربوط است به اعتماد در روابط افراد که تبادل دو طرفه را تسهیل می کند (Danier et al, 2002, Carpenter et al., 2004). کلمن سه شرایط ویژه ای را که باعث ایجاد سرمایه اجتماعی می شود مطرح می سازد. اول ارتباط نزدیک اعضا، دوم تداوم و پایداری این ارتباط ها و در نهایت وجود ایدئولوژی ارتباطی. طبق نظریه کلمن اولین فاکتور وقتی اتفاق می افتد که تمامی کنشگران در سیستم اجتماعی قدرت آن را داشته باشند که در مواجه شدن با اتفاقات پیش آمده با تکیه بر روابط شان بر همدیگر فشار وارد کنند. دومین عامل که کلمن در بالا ذکر کرد پایداری در این روابط است که که معمولاً افرادی که در سیستم اجتماعی ضعیف اند از دور خارج می شوند. وی سومین فاکتور مهم را حضور و تفکر ایدئولوژی ارتباطی می داند، زیرا این ایدئولوژی باعث خلاقیت، ایجاد، تقویت و حفاظت از سرمایه اجتماعی موجود می گردد و در عین حال حس دیگر خواهی و فهم شرایط متقابل را در بین شهروندان تسهیل می کند (Coleman, 1990, 320). در نهایت می توان گفت که به وجود آمدن میزانی از سرمایه اجتماعی در یک منطقه یا مکان جغرافیایی می تواند به کنش جمعی منجر شده و در نهایت فرآیند مشارکت و توسعه را به پیش برد، کنش جمعی اتفاق نمی افتد مگر این که ذخیره مناسبی از سرمایه اجتماعی وجود داشته باشد.

روش تحقیق (متغیرها و مدل)

با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی، رویکرد حاکم بر این پژوهش رفتاری-فضایی و جمع آوری داده ها با استفاده از پرسش نامه و مصاحبه حضوری و عمیق بوده که در دو محله میانه ای ها و دولتخواه های نعمت آباد واقع در منطقه ۱۹ تهران توزیع و تکمیل گردیده و تعداد پرسشنامه ها بر اساس فرمول کوکران تعداد ۷۵ پرسشنامه برای هر یک از محلات برآورد شده است. علاوه بر این، به منظور تقویت پایه های نظری و دقت در گردآوری اطلاعات از روشهای مطالعه اسناد و مدارک منجمله سازمان نوسازی شهر تهران نیز استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل در این مقاله شامل دو بخش است. در ابتدا بعد از بیان از ویژگی های فردی و خانوادگی و محلی دو محله، از رگرسیون توبیت Tobit و با استفاده از نرم افزار Stata16 برای پیش بینی سطح مشارکت خانواده های هر محله در توسعه فعالیت های اجتماع محلی در قالب اداره محله، رفاه اجتماعی و فعالیت های اقتصادی و محیطی و در دو بعد صرف پول و زمان استفاده شده است. در هر سه مولفه اصلی مدیریت محلی، رفاه اجتماعی محله و فعالیت های اقتصادی و محیطی محله، شاخص های قرار دارند که

میانگین آنها در محاسبات لحاظ شده است. همچنین سن سرپرست، اندازه خانوار و مهاجرین خارجی به عنوان متغیرهای کنترلی در این تحقیق استفاده شده است. بخش دوم نیز در قالبی توصیفی به تفاوت های دو محله در سطوح مشارکت در فعالیت های اجتماع محلی و تفاوت های دو محله در تبدیل سرمایه اجتماعی به کنش جمعی در جهت خارج شدن از چرخه فقر پرداخته است.

جدول ۲: شاخص های بکار رفته در سه حوزه فعالیت های اجتماعات محلی در محلات مورد مطالعه

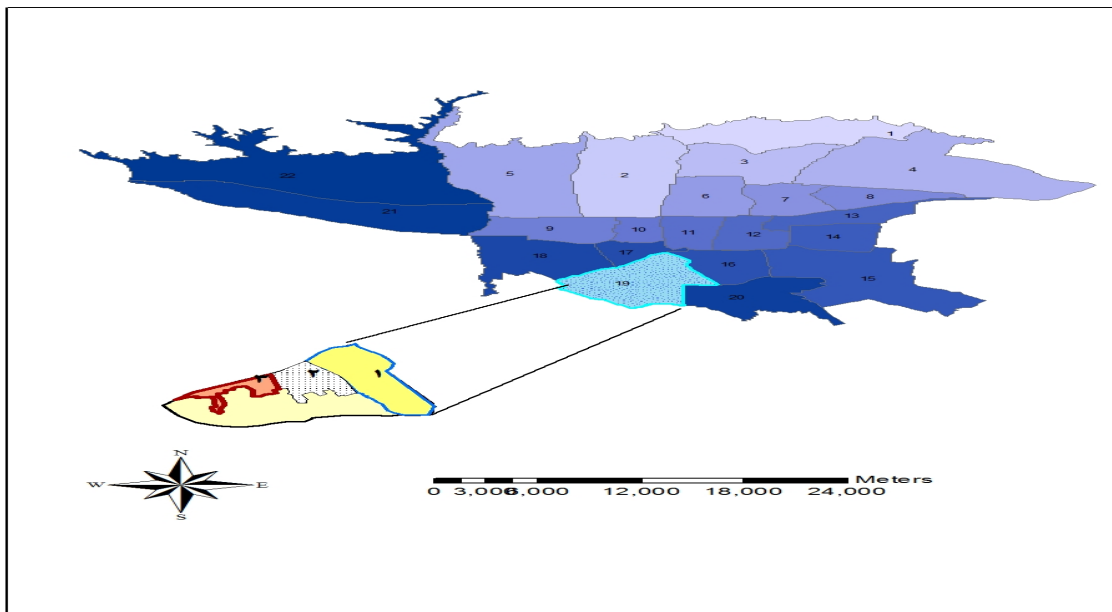
اداره محله	رفاه اجتماعی محله	مسایل اقتصادی و محیطی محله
میزان صرف زمان و پول از طرف شهروندان در جهت همکاری جمعی برای کسب منفعت بیشتر از شهرداری یا دولت (وام نوسازی، سوبسید ...)، میزان صرف زمان و پول از طرف شهروندان برای همکاری گروهی در جهت اهداف محله، میزان صرف زمان در فعالیت های محیطی محله، میزان صرف پول در فعالیت های محیطی محله، میزان زمانی که شهروندان با فرزندانشان در مورد مسایل محله صحبت می کنند، میزان صرف زمان برای شرکت در جلسات محلی از جمله شورایی محله، میزان صرف زمان برای جلسات دفتر بهسازی محله، صرف زمان و پول در ارتباط با ارگانهای دولتی راجع به مسایل محله در دو سال گذشته، کمک مالی به پروژها و اقدامات در حال انجام در محله، صرف پول یا زمان در مدیریت محله	میزان صرف زمان و پول به فعالیت های مذهبی محله، میزان صرف زمان و پول به فعالیت های ورزشی محله، میزان صرف زمان و پول در نهادها و موسسات غیردولتی در محله، میزان صرف زمان در خانه سلامت محله، میزان صرف زمان و پول به مسجد محله، میزان صرف زمان برای دیدار با اقوام و آشنایان محلی	میزان صرف زمان و پول در کمک به همسایه های فقیر در محله، میزان صرف زمان و پول در قرض دادن و یا قرض گرفتن از آشنایان به صورت قرض الحسنه، میزان صرف زمان و پول در کمک به افراد محله در مواقع حادثه، میزان صرف زمان و پول در کمک به تهیه جهیزیه نوerosان، میزان صرف زمان و پول برای روابط کاری و اقتصادی با افراد محله، میزان سپرده گذاری یا قرض گرفتن از صندوق قرض الحسنه محله، میزان صرف زمان و پول برای اشتغال زایی و فرصت های اقتصادی زنان، میزان صرف زمان و پول در تشکیل صنف محلی، میزان صرف زمان و پول برای ارتقاء اقتصادی محله

بررسی اجمالی منطقه مورد مطالعه

محله نعمت آباد در ناحیه ۳ شهرداری منطقه ۱۹ واقع می باشد و به علت موقعیت خاص مکانی که در منتهی الیه محدوده شهری تهران است دارای شرایط ویژه ای از نظر پراکنش زمینهای رها شده و باغات می باشد. این محله از شمال توسط بزرگراه آیت ... سعیدی، از جنوب توسط بلوار شکوفه، از شرق توسط بزرگراه کاظمی و از غرب به وسیله خیابان نور محدود شده است. این منطقه تا پیش از سال ۱۳۴۳ و وقوع اصلاحات ارضی، منطقه ای روستایی است که به استناد مدارک و بقایای تعدادی قلعه های روستایی پراکنده نظیر قلعه اسفندیاری و قلعه عبدال آباد هویتی متمایز دارد و از طریق راه عبوری جاده ساوه و سایر راه های روستایی به تهران و ری ارتباط داشته است (راز اندیشان عمران، ۱۳۸۹: ۱۰). استقرار فرودگاه نظامی قلعه مرغی و شکل گیری سکونتگاه های اطراف آن در دهه های متاخرتر روی می دهد و ساکنان جدید را مهاجران و کارکنان قلعه مرغی تشکیل می دهد. نکته قابل توجه در نحوه توسعه بافت مسکونی نعمت آباد در دوران های مختلف انطباق قطعه بندی ها و تقسیمات اراضی با تقسیمات زمین های کشاورزی است، به طوری که کوچکترین مسیر های موجود بین زمین های کشاورزی در سالهای گذشته در حال حاضر نیز به صورت کوچه هایی باریک و پر پیچ و خم قابل مشاهده است. مسیرهای اصلی با عرض بیشتر بر روی مسیرهای عبوری و نیز مسیر قنات هایی که در حال حاضر از بیشتر آنها بهره برداری نمی شود شکل گرفته اند (ادیب زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۵). تصویر شماره ۱، موقعیت محله نعمت آباد را در منطقه ۱۹ و ناحیه ۳ نشان می دهد. به لحاظ اجتماعی هم قریب به اتفاق را

مهاجرین ترک (زنجان، میانه ای، هشترودی، اردبیلی و غیره) تشکیل می دهند که بیشتر در مشاغل همچون جمع آوری ضایعات آهن و نان، سمساری و سایر مشاغل مرتبط فعالیت دارند.

شکل ۱: موقعیت قرارگیری محله نعمت آباد در منطقه نوزده شهرداری



ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۲

بحث و نتایج

برای درک بهتر ویژگی های محلات شهری در توسعه اجتماعات محلی و کاهش فقر شهری ابتدا ضروری است تا برخی متغیرهای زمینه ای مورد بررسی قرار گیرد. اولین دسته از متغیرهای زمینه ای مرتبط با ویژگی های فردی و اجتماعی اقتصادی دو محله است. یافته های اولیه نشان می دهد که قریب به اکثریت پاسخ دهندگان را در هر دو محله مردان تشکیل می دهند که در این بین بیشترین تعداد افراد با ۳۶ درصد در گروه سنی ۳۵-۴۵ ساله در محله میانه ای ها و گروه سنی ۴۵-۵۵ ساله با ۳۳ درصد در محله دولتخواه بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده اند. بعد خانوار در محله دولتخواه های در حدود ۴/۸ نفر است که در مقایسه با محله میانه ای ها با ۴/۹ نفر تا حدی کمتر است. اختلاف بین افراد دو محله در سطح سواد چندان فاحش نیست. بر این منوال تعداد سرپرستان بدون سواد در محله دولتخواه نسبت به محله میانه ای ها کمی بیشتر و در سایر مقاطع به جز در سطح تحصیلات دانشگاهی تفاوت چندانی بین دو محله مشاهده نمی شود. اما به لحاظ اقتصادی تقریباً نیمی از پاسخ دهندگان در هر دو محله وضعیت مالی و اقتصادی مناسبی را برای خود متصور نبوده اند. با این وجود در محله میانه ای ها تعداد افرادی که وضعیت اقتصادی مناسبی برای خود متصور شده اند، بیشتر از محله دولتخواه های است. به همین منوال تعداد افراد با وضعیت مالی نامناسب در محله دولتخواه بیشتر از محله میانه ای هاست. وضعیت اشتغال سرپرستان خانوار نیز تابع همین الگوست که در آن تعداد سرپرستان بیکار در محله دولتخواه از محله میانه ای ها بیشتر می باشد. در جدول ذیل می توان به تفکیک وضعیت های دو محله را در شاخص های مرتبط با وضعیت اجتماعی- اقتصادی را مشاهده نمود. دسته بعدی از متغیرهای زمینه ای، متغیرهای وابسته به شبکه های اجتماعی موجود در محلات و خصوصیات اجتماع محلی است که شامل درصد زنان سرپرست خانوار، مهاجرت در دو سال اخیر، تعداد خانوارهای موجود

در محله از اقوام و آشنایان، تعلق به اکثریت قومی محله، میزان همگنی اجتماعی و قومیتی، میزان جمعیت و مساحت محله می باشد. نتایج حاصله از پرسشگری میدانی نشان می دهد که تعداد خانوارهای که سرپرستان آن را زنان عهده دار هستند در محله میانه ای بیشتر از محله دولت خواه ها می باشد. در محله دولت خواه ها حدود ۲۰ درصد یا به عبارتی دیگر یک پنجم کسانی که مورد پرسشگری واقع شده اند، اظهار داشتند که در کمتر از دو سال اخیر به این محله مهاجرت نموده اند که نشان دهنده تحولات جمعیتی زیاد در این محله است. همچنین میانگین تعداد خانوارهای آشنایان و اقوام در محله میانه ها بیش از دو برابر محله دولت خواه ها است که نشان می دهد شبکه های اجتماعی خانوادگی در محله میانه ها قوی تر است. مطالعات میدانی نشان می دهد که اکثریت قومی در هر دو محله را ترک ها تشکیل می دهند، لیکن همگنی و تعلق به اکثریت قومی محله در محله میانه ایها بیشتر می باشد. همچنین متغیرهای کنترلی در این پژوهش عبارتند از سن سرپرست خانوار، مهاجرین خارجی و بعد خانوار می باشد.

جدول ۳: وضعیت اجتماعی-اقتصادی، شبکه و خصوصیات اجتماع محلی به همراه متغیرهای کنترلی در محلات مورد بررسی

وضعیت اجتماعی-اقتصادی	میانۀ ای n=75	دولتخواه n=75	شبکه اجتماعی	میانۀ ای n=75	دولتخواه n=75
سرپرستان بدون سواد	۱۴/۸	۱۸/۱	مهاجرت در دو سال اخیر	۸/۲	۲۰/۲
سطح ابتدایی	۳۶/۲	۳۵/۴	تعداد خانوارها از آشنایان، اقوام در محله	۱/۸	۰/۷
سطح راهنمایی	۳۲/۳	۳۲/۲	تعلق به اکثریت قومی محله	۶۳	۳۵
سطح دیپلم	۱۲/۴	۱۱/۵	خصوصیات اجتماع محلی		
سطح دانشگاهی	۴/۳	۲/۸	میزان همگنی اجتماعی و قومیتی	۰/۸۴	۰/۴۱
سطح مالی ضعیف	۰/۴۲/۷	۰/۵۶	میزان جمعیت	۳۲/۷	۱۰/۲۲
سطح مالی متوسط	۰/۴۶/۷	۰/۳۹	مساحت محله	۳	۳/۲
سطح مالی خوب	۰/۱۰/۷	۰/۵	متغیرهای کنترلی		
وضعیت شغل سرپرست خانوار	۰/۸۹/۳	۰/۷۹	سن سرپرست خانوار	۴۷/۴	۴۶/۲
شبکه اجتماعی			مهاجرین خارجی	۳/۵	۱۰/۹
زنان سرپرست خانوار	۱۰/۱	۸/۸	بعد خانوار	۴/۸	۴/۶

منبع: محاسبات نگارندگان (۱۳۹۲)

گام بعدی در راستای رسیدن به اهداف تحقیق این است که میزان مشارکت شهروندان را در سه حوزه مطرحه ارزیابی شود. نتایج حاصله از مقایسه میانگین ها نشان می دهد که شهروندان ساکن در محله میانه ای ها در فعالیت های مرتبط با مدیریت محله، رفاه اجتماعی محله و مسایل اقتصادی و محیطی هم در بعد زمان و هم در منابع مالی برای توسعه اجتماعات محلی مشارکت بیشتری داشته اند. در هر دو محله به لحاظ زمانی بیشترین کمک را شهروندان در مسایل اقتصادی و محیطی محله دارند و در سوی دیگر نیز کمترین مشارکت در فعالیت های اجتماع محور مرتبط با رفاه اجتماعی محله است. در بعد صرف منابع مالی نیز بیشترین کمک و مشارکت در محله میانه ای ها مربوط به امور اقتصادی و زیست محیطی و کمترین آن نیز در اداره و مدیریت محلی است. در محله دولتخواه بیشترین مشارکت و کمک به فعالیت های اجتماعی محله و کمترین آن نیز مربوط به امور اقتصادی و زیست محیطی محله است. در جداول ذیل می توان به تفکیک کمک هر

محله در حوزه های مختلف توسعه اجتماعات محلی را مشاهده نمود. در مجموع نیز می توان استنتاج نمود گرچه وضعیت مشارکت و کمک محله میانه ای ها از دولتخواه تا حدی بهتر است ولی با این وجود تعداد افرادی که هرگز در فعالیت های اجتماع محور دخیل نبوده اند، چشمگیر می باشند. این تعداد افراد در برخی حوزه ها بیش از نیمی از افراد محله را شامل می شود که به نظر می رسد این نشان دهنده سوق یافتن جامعه شهری ایرانی به جامعه ذره ای است (ن.ک قاضی مرادی، ۱۳۹۲).

جدول ۴ با استفاده از رگرسیون توبیت مقدار کمک افراد در بعد زمان در توسعه اجتماعات محلی را در سه حوزه اداره و مدیریت محله، رفاه اجتماعی محله و در نهایت مسایل اقتصادی و محیطی محله نشان می دهد. به همین منوال جدول ۵ نیز مقدار کمک افراد را در بعد مالی و پولی در توسعه و بسط این فعالیت ها در سه حوزه مذکور نشان می دهد. در این جدول همچنین اثرات متقابل متغیرهای محله میانه ای ها در این مدل برای آزمودن اختلاف دو محله در اثر متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است. مدل توبیت به علت وجود درصد بالایی از متغیرهای وابسته زیر صفر که منجر به مشکل دادهای سانسور شده از سمت چپ استفاده شده و در تمام مدل های رگرسیون توبیت متغیر مستقل شامل ویژگی های سرپرست خانوار و خصوصیات اجتماع محلی است.

بر این اساس فرم کلی مدل توبیت در این پژوهش به صورت زیر است:

$$y_i^* = x_i \beta + \varepsilon_i$$

در این رابطه متغیرها و پارامترها به صورت زیر تعریف می شوند:

x_i : بردار متغیرهای مستقل

β : برداری از پارامترهایی که بایستی تخمین زده شوند

ε_i : جمله اخلاص^۱

Y_i^* : متغیر پنهان^۲ که برای داده های بزرگتر از صفر قابل مشاهده و برای داده های کمتر یا مساوی صفر سانسور شده است. Y مشاهده شده بصورت ذیل تعریف می شود:

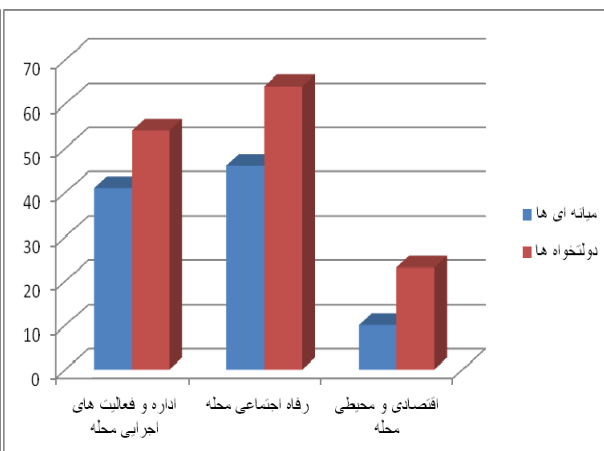
$$y_i = y_i^* \text{ if } y_i^* > 0$$

$$y_i = 0 \text{ if } y_i^* \leq 0$$

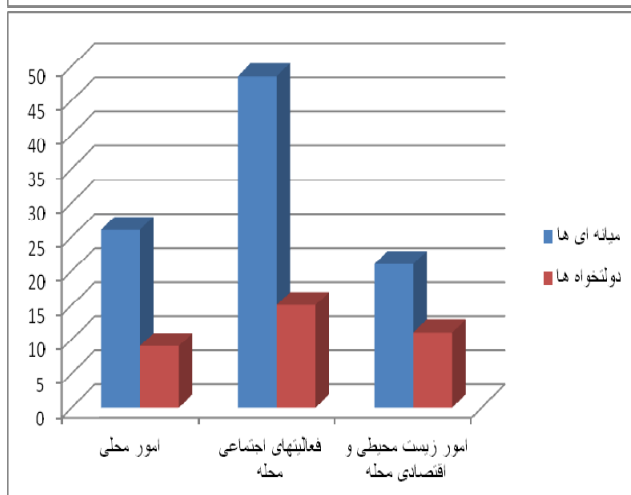
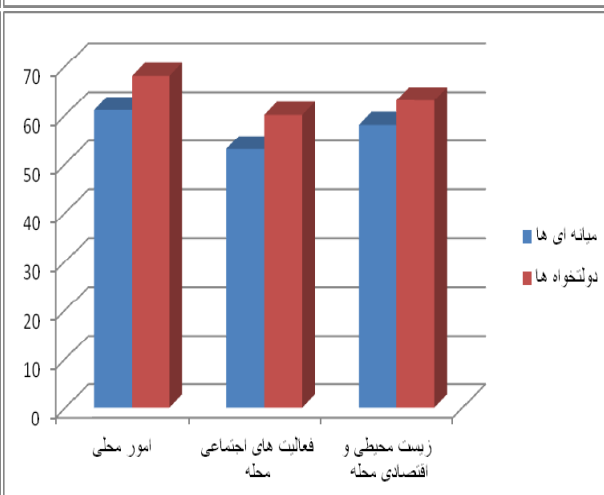
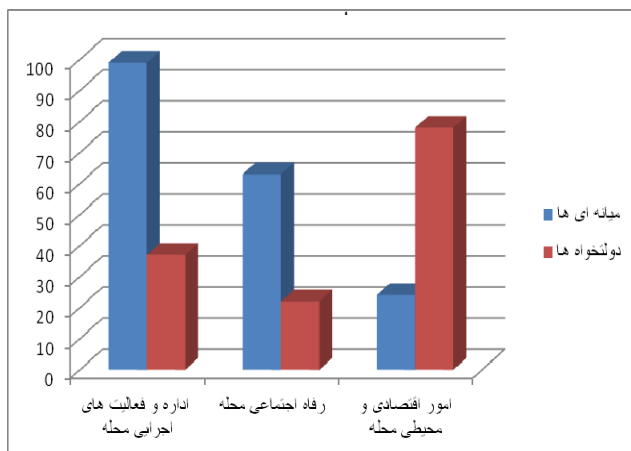
1- Error terms

2- latent variable

شکل ۱: تعداد افرادی که اصلاً از بعد زمان در توسعه فعالیت های سه گانه اجتماعات محلی کمک و مشارکتی



شکل ۲: میزان کمک و مشارکت شهروندان از بعد زمان در توسعه فعالیت های سه گانه اجتماع محلی بر حسب تعداد



شکل ۳: تعداد افرادی که اصلاً از بعد مالی در توسعه فعالیت های سه گانه اجتماعات محلی کمک و مشارکتی ندارند

شکل ۴: میزان کمک و مشارکت شهروندان از بعد مالی در توسعه فعالیت های سه گانه اجتماع محلی بر حسب میلیون ریال

جدول (۴): پیش بینی مدل توبیت از مقدار کمک محلات مورد مطالعه در فعالیت های اجتماع محور بر حسب ساعت

مسائل اقتصادی و محیطی محله		رفاه اجتماعی محله		اداره محله		متغیرها
SE	β	SE	β	SE	β	
۰/۳۹۱	-۰/۱۱۹	۰/۶۲۷	-۰/۵۱۲	۰/۱۴۱	-۰/۳۱۸	سرپرستان بی سواد
۰/۴۸۴	-۰/۲۷۴	۰/۴۳۲	-۰/۱۲۸	۰/۵۸۱	۰/۷۲۷	تحصیلات ابتدایی (سرپرستان)
۰/۴۳۰	۰/۳۵۴	۰/۵۱۲	۰/۲۶۴	۰/۳۴۵	۰/۴۷۲	تحصیلات راهنمایی (سرپرستان)
۰/۲۶۳	۰/۳۱۲	۰/۶۴۳	۰/۴۳۵	۰/۲۱۴	-۰/۱۴۳	تحصیلات دیپلم (سرپرستان)
۰/۴۳۹	۰/۲۸۳	۰/۴۳۷	-۰/۴۷۲	۰/۴۸۹	-۰/۳۶۷	تحصیلات دانشگاهی (سرپرستان)
۰/۳۹۰	-۰/۳۱۱	۰/۴۵۳	-۰/۳۹۲	۰/۲۲۲	-۰/۲۱۷	وضعیت نامناسب اقتصادی
۱/۱	۱/۸۲	۰/۳۹۰	۰/۶۵۱	۰/۹۸۱	۱/۰۲	وضعیت متوسط اقتصادی
۰/۱۸۸	-۰/۲۱۰	۰/۳۵۹	۰/۱۰۸	۰/۶۴۳	-۰/۵۳۰	وضعیت مناسب اقتصادی
۰/۵۰۱	۰/۳۰۶	۰/۹۷۳	۰/۰۷۶	۰/۵۴۱	۱/۱۳	شاغل بودن سرپرست خانوار

متغیرها		اداره محله		رفاه اجتماعی محله		مسائل اقتصادی و محیطی محله	
		SE	β	SE	β	SE	β
زنان سرپرست خانوار		۰/۸۳۴	-۰/۳۱۸	۰/۲۹۸	-۱/۳	۰/۹۲۵	-۰/۲۵۴
مهاجرت در دو سال اخیر		۰/۴۸۴	-۰/۶۱۰	۰/۲۱۱	-۰/۳۹۲	۰/۱۹۸	-۰/۱۱۵
تعداد خانوارها از اشنایان، اقوام در محله		۰/۸۵۴	۰/۵۲۶	۰/۷۳۲	۰/۲۲۱	۰/۴۱۵	-۰/۰۸۴
تعلق به اکثریت قومی محله		۰/۳۲	۰/۲۶۴	۰/۱۴۲	۰/۵۳۲	۰/۷۸۴	۰/۰۱۱
میزان همگنی اجتماعی و قومیتی		۰/۱۸۸	۰/۳۰۴	۰/۶۵	۰/۱۰۹	۰/۵۰۴	-۰/۰۱۵
میزان جمعیت		۰/۰۵	-۱/۰۲	۰/۸۵۱	-۰/۹۸۹	۰/۴۰۱	۰/۰۲
مساحت محله		۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۱
سن سرپرست خانوار		۰/۶۴	۰/۱۱۱	۰/۰۰۲	۰/۳۲۴	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۰
مهاجرین خارجی		۰/۰۹۰	۰/۴۰۳	۰/۲۶۷	۰/۱۰۸	۰/۶۰۴	۰/۲۰۸
بعد خانوار		۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۱۲	۰/۱۱۵	۰/۰۰۱
ساکن در محله میانه ای ها		۰/۱۳۹	۲/۶	۰/۳۹۵	۰/۳۷۶	۰/۶۹۴	۱/۴۳
سرپرستان بی سواد محله میانه ای ها		۰/۵۸۴	-۰/۸۷۷				
سرپرستان با تحصیلات ابتدایی محله میانه ای ها				۰/۲۰۱	-۰/۳۰۳		
سرپرستان با تحصیلات راهنمایی محله میانه ای ها				۰/۵۱۲	-۱/۰۱۲		
سرپرستان با تحصیلات دیپلم محله میانه ای ها				۰/۴۰۳	-۰/۳۹۲		
سرپرستان با تحصیلات دانشگاهی محله میانه ای ها		۱/۰۹	۱/۳				
شبکه خانوادگی محله میانه ای ها				۰/۰۱۳	-۰/۰۲۱		
همگنی قومیتی محله میانه ای ها		۰/۴۲۳	-۱/۳۲				
جمعیت اجتماع محلی محله میانه ای ها		۰/۰۴۱	-۰/۰۶				
مساحت محله میانه ای ها		۰/۰۰۱	۰/۰۰۳			۰/۰۰۱	۰/۰۰۲
سن سرپرست محله میانه ای ها				۰/۰۰۲	۰/۰۴۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
اندازه خانوار		۰/۰۱۹	۰/۰۶				
مقدار ثابت		۰/۲۱۴	-۷/۵۴	۰/۶۱۵	-۲/۲۳	۰/۷۵۸	-۱۲/۳۰
لگاریتم شبه درست نمایی		۸۴۶۷/۹۵	-				-۱۰۸۰/۰۲۵
حجم نمونه سانسور نشده		۵۸		۹۲		۷۹	

منبع: محاسبات نگارندگان (۱۳۹۲)

جدول ۵: پیش بینی مدل توبیت از میزان کمک محلات مورد مطالعه در فعالیت های اجتماع محور بر میلیون ریال

متغیرها		اداره محله		رفاه اجتماعی		اقتصادی و محیطی	
		SE	β	SE	β	SE	β
سرپرستان بی سواد		۰/۳۲۵	-۰/۱۳۶	۰/۹۳۰	-۰/۴۰۴	۰/۲۳۴	-۰/۵۹۴
تحصیلات ابتدایی (سرپرستان)		۰/۷۰۹	-۱/۴۳	۰/۶۷۸	-۱/۳	۰/۳۷۹	-۰/۹۲۳
تحصیلات راهنمایی (سرپرستان)		۰/۵۶۱	۰/۲۶۵	۰/۳۸۰	۰/۴۵۲	۰/۲۶۴	۰/۶۷۳
تحصیلات دیپلم (سرپرستان)		۰/۴۲۳	۰/۱۹۴	۰/۳۷۴	۰/۳۵۴	۰/۷۵۶	۰/۸۱۹
تحصیلات دانشگاهی (سرپرستان)		۰/۲۸۷	۰/۳۲۰	۰/۴۱۷	-۰/۸۴۳	۰/۵۴۴	۱/۲۹
وضعیت نامناسب اقتصادی		۰/۴۳۶	۰/۲۴۱	۰/۶۵۷	۰/۴۱۸	۰/۳۰۱	۰/۰۵۶
وضعیت متوسط اقتصادی		۰/۱۷۶	۰/۲۱۷	۰/۲۸۹	-۰/۵۶۱	۰/۳۷۵	۰/۴۵۳
وضعیت مناسب اقتصادی		۱/۱۲	-۲/۴۵	۰/۶۵۷	-۱/۲۳	۰/۴۳۹	-۱/۰۱
شاغل بودن سرپرست خانوار		۰/۱۵۵	۰/۰۵۵	۰/۷۹۹	۱/۴۵	۰/۱۱۱	۰/۳۰۴

اقتصادی و محیطی		رفاه اجتماعی		اداره محله		متغیرها
SE	β	SE	β	SE	β	
۱/۵۶	-۲/۳۴	۰/۶۴۲	-۰/۹۴۳	۰/۸۷۹	-۱/۷۶	زنان سرپرست خانوار
۱/۷۴	-۲/۵۳	۰/۴۱۰	-۰/۶۴۸	۰/۵۸۷	-۱/۳۲	مهاجرت در دو سال اخیر
۰/۰۱۳	۰/۰۳۷	۰/۰۳۹	۰/۰۸۸	۰/۰۵۶	۰/۱۲۹	تعداد خانوارها از اشنایان، اقوام در محله
۰/۴۰۳	۰/۹۸۵	۰/۴۱۰	-۰/۱۱۴	۰/۲۳۹	۰/۲۴۶	تعلق به اکثریت قومی محله
۰/۰۱۱	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۰۱۲	۰/۰۸	۰/۰۱۴	میزان همگنی اجتماعی و قومیتی
۰/۰۰۲	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۱۳۸	-۰/۲۴۹	میزان جمعیت
۰/۳۹۸	۰/۳۴۹	۰/۱۴۷	-۰/۰۱۸	۰/۴۳۲	۰/۵۲۸	مساحت محله
۰/۰۷	۰/۰۶	-۰/۰۰۹	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۴	-۰/۰۰۵	سن سرپرست خانوار
۰/۳۹۱	۰/۴۲۸	۰/۲۵۹	-۰/۱۸۲	۰/۳۹۲	-۰/۰۲	مهاجرین خارجی
۰/۰۸۳	۰/۲۱۴	۰/۰۱۹	-۰/۰۷۲	۰/۸۳	۰/۱۹۸	بعد خانوار
۰/۳۴۲	-۱/۵۰۸	۰/۲۲۴	۰/۲۴۳	۰/۵۲۹	-۱/۴۷	ساکن در محله میانه ای ها
		-۰/۵۱۸	-۰/۸۴۱			سرپرستان بی سواد میانه ای ها
		۰/۴۱۵	-۱/۲۹			سرپرستان با تحصیلات ابتدایی میانه ای ها
		۰/۳۱۸	-۰/۵۱۲			سرپرستان با تحصیلات راهنمایی میانه ای ها
		۱/۳۲۹	۱/۴۲۱			سرپرستان با تحصیلات دیپلم میانه ای ها
				۱/۳	۱/۱۲۱	سرپرستان با تحصیلات دانشگاهی میانه ای ها
۰/۱۸۶	۰/۸۷۰					مساحت محله میانه ای ها
-۱۵/۱۱۱	۷/۲۴۳	-۱۰/۵۶۲	۴/۴۷۲	۹/۳۲۱	۳/۹۸۷	مقدار ثابت
۳۱۸۲/۲۱۲		۲۷۸۹/۳۲		۴۵۰۱/۸۵۶		لگاریتم شبه درست نمایی
۲۸		۲۹		۴۳		حجم نمونه سانسور نشده

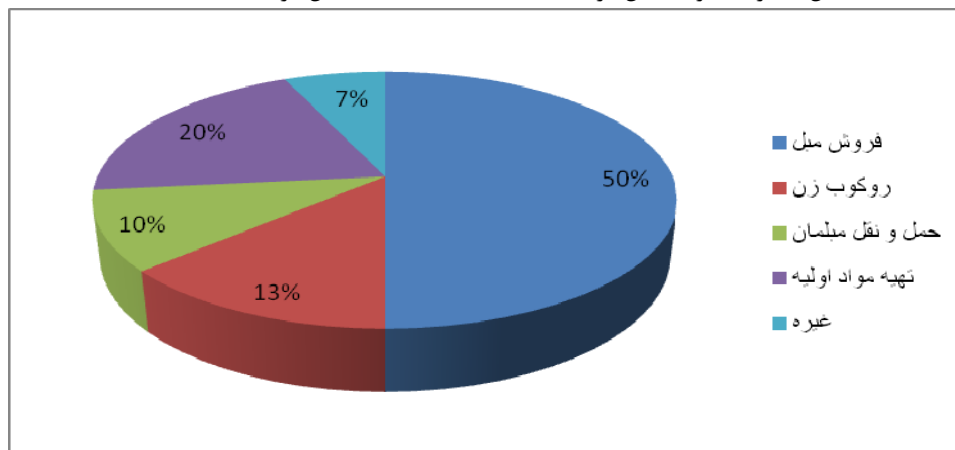
منبع: محاسبات نگارندگان (۱۳۹۲)

کابرد مدل رگرسیونی نشان می دهد که معمولاً خانوارهای با سطح تحصیلات متوسط در هر دو محله بیشتر از خانوارهای با سطح تحصیلات بی سواد و دانشگاهی منابع مالی و زمان در اختیار توسعه اجتماعات محلی نموده اند که این مقدار در بعد زمان در رفاه اجتماعی نمود پیدا کرده و بعد مالی نیز مسایل اقتصادی و محیطی الویت اول آنها بوده است. به لحاظ سطح اقتصادی خانوارها و کمک آنها به توسعه اجتماعات محلی وضعیت به منوال قبلی است به نحوی که افراد با سطح اقتصادی متوسط (طبق نظر خودشان) زمان و منابع مالی بیشتری را صرف کرده اند. این منابع هم در بعد زمان و هم منابع مالی در مسایل اقتصادی بیشتر از اداره محله و رفاه اجتماعی است. رابطه مثبتی نیز میان اشتغال سرپرستان خانوار با مشارکت در توسعه اجتماعات محلی وجود دارد. بدین صورت بر خلاف ظاهر که سرپرستان بدون شغل زمان بیشتری را برای کمک و مشارکت دارند، نتایج نشان می دهد که سرپرستانی که شاغل اند هم منابع مالی و هم زمان بیشتری را در اختیار توسعه اجتماع محلی گذاشته اند. بر این اساس به لحاظ زمانی بیشترین مشارکت در اداره و مدیریت محله و در بعد مالی و پولی نیز بیشترین مشارکت در رفاه اجتماعی قرار دارد. رابطه منفی و معناداری بین خانوارهای با سرپرست زنان و فعالیت های مرتبط با توسعه اجتماعات محلی در دو محله مورد بررسی وجود دارد. بدین صورت که زنان سرپرست خانوار تمایل بسیار پایینی به مشارکت و کمک به توسعه فعالیت های اجتماع محلی دارند. کمترین مشارکت سرپرستان زن در صرف زمان در مسایل اقتصادی و محیطی مشاهده می شود و در مسایل منابع مالی و پولی نیز کمترین مشارکت مربوط به اداره محله است. همچنین رابطه منفی نیز بین میزان سال های سکونت در محله یا به عبارتی دیگر مهاجرت در محله در کمتر از دو سال اخیر

با مشارکت و کمک به توسعه اجتماع محلی وجود دارد. کمترین میزان مشارکت مهاجرین در بعد زمانی در حوزه رفاه اجتماعی محله و در بعد مالی نیز مربوط به اداره محله است. در سوی دیگر افرادی که تعداد بیشتری از اقوام و آشنایان را در محله خود دارند، تمایل بیشتری در توسعه و کمک به اجتماعات محلی دارند که این تمایل در بعد زمانی بیشتر از بعد مالی است. همچنین افرادی که به اکثریت قومی دو محله یعنی آذری ها بوده اند، نسبت به سایرین مشارکت بیشتری داشته که این مشارکت هم در بعد مالی و هم زمانی در حوزه مسایل اقتصادی و محیطی می باشد.

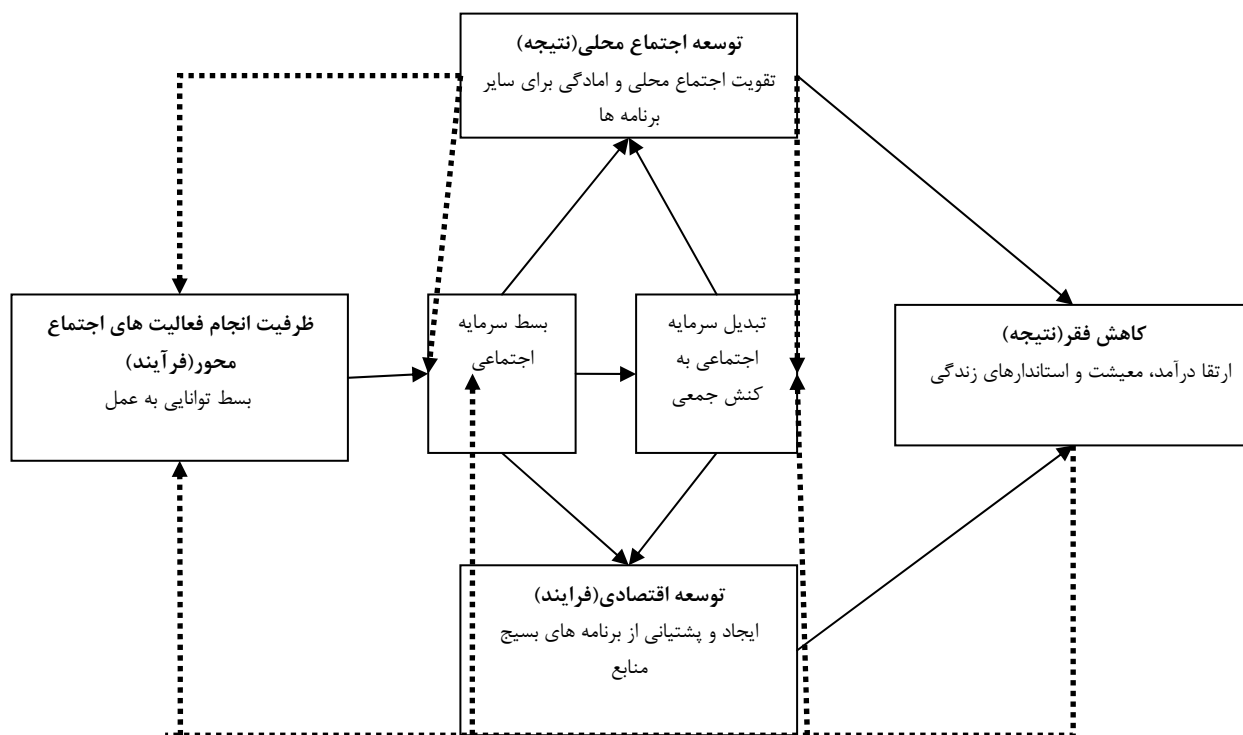
نتایج نشان میدهد که محله میانه ای ها دارای مشارکت بیشتری در توسعه اجتماعات محلی می باشند که این مشارکت وضعیت اقتصادی مناسبتری و در نتیجه فقر کمتری را در قیاس با محله دولتخواه را برای آنها به ارمغان آورده است. مشاهدات میدانی نگارندگان و سوالاتی مطروحه در پرسشنامه، حاکی از تلاش های آنها بر اساس فعالیت های اجتماع محور برای کاهش فقر می باشد. نکته قابل تامل در این است که در پنج سال گذشته ساکنان این دو محله دارای پایگاه اقتصادی و مشاغل مشابه (جمع آوری ضایعات آهن و نان، کارگری در کوره های آجرپزی) بودند لیکن در سالهای اخیر ساکنان محله میانه ای ها تغییر نقش اقتصادی داده اند و به تولید و فروش صنایع مبل روی آورده اند. این تغییر نقش با ظرافت خاصی نیز همراه بوده است. زیرا با توجه به اینکه این محله از یک سوی با مرکز اصلی و تخصصی مبلمان در ایران و تهران یعنی یافت آباد فاصله زیادی ندارد و از سوی دیگر یافت آباد اقدام به تهیه و تولید مبلمان به صورت تخصصی و بعضاً گران تر می نماید، ساکنان این محله تصمیم به تولید مبلمان ارزانقیمت نمودند که امروزه و در شرایط فعلی اقتصادی توانسته مشتریان زیادی از سراسر کشور را جذب کند. این تغییر نقش علاوه بر اشتغال زایی بسیار مناسب برای خود میانه ای ها برای بسیاری از ساکنان محلات پیرامون نیز فرصت کاری پدید آورده است. جدول ذیل نشان دهند تعداد افراد شاغل در بخش هایی مختلف صنعت تولید مبل در این محله است که علاوه بر اشتغال زایی، ارزش افزوده ای فراوانی را برای خود محله نیز در پی داشته است. مشاهدات میدانی نشان داد که اکنون علاوه بر افزایش چشم گیر تعداد کارگاه ها تولید کننده و مغازه های ارایه کننده مبل در محله، حتی پارکینگ های برخی از منازل به عنوان انبارهای مغازه های مبل فروشی درآمده است. بنابراین پیش بینی می شود این محله با تولید مبل ارزان قیمت تر نسبت به یافت آباد در آینده نه چندان دور تبدیل به رقیبی برای مرکز مبل تهران (یافت آباد) می تواند مبدل شود.

شکل ۶: درصد افراد شاغل در قسمت های مختلف صنعت مبل در محله میانه ای ها



منبع: مطالعات میدانی نگارندگان

اهالی خود محله یعنی میانه ای ها این موفقیت را علاوه بر تغییر نقش، استقبال و مشارکت مردم محله از برنامه های نوسازی و بهسازی می دانند. زیرا اجرای برنامه های نوسازی در کنار قرار گرفتن در مسیر یکی از خروجی ها جنوبی شهر تهران باعث تسهیل رفت و آمد مشتریان (اعم از تهران و سایر مناطق کشور) شده و بر رونق کاری و جهش اقتصادی آنها افزوده است. از سوی دیگر اهالی محله دولتخواه هنوز در فعالیت های اولیه از جمله کار در کوره های آجرپزی، جمع آوری ضایعات آهن و نان مشغول می باشند که بنا بر گفته خود اهالی پیشرفت چندانی را برای آنها در سالهای اخیر به همراه نداشته است و حتی برخی در مصاحبه ها اعلام داشتند که بر شدت و ابعاد فقر ساکنان این محله در سالهای اخیر نیز افزوده شده است. این در حالی است پایگاه قومی و محل جغرافیایی برای هر دو محله مشابه است و این سوال را پیش می آورد که تفاوت دو محله از نظر برنامه های ارتقاء اقتصادی و تلاش های کاهش فقر چیست. این مقاله تفاوت این دو محله را در این نکته می داند که ساکنان محله دولتخواه هنوز به همفکری و کنش جمعی (که در فعالیت های توسعه اجتماع محور تبلور پیدا می کند) نرسیده اند که بتوانند حداقل راهی برای تغییر کارکرد و نقش خود بیابند و این در حالی است که در محله میانه ها کنش جمعی و رفتار گروهی حداقل در برنامه های اقتصادی و کاهش فقر مهیا شده به نحوی که آنها اکنون به فکر برپایی بورس صادرات مبلمان، برگزاری نمایشگاههای جانبی مرتبط با محصولات خود و بازرگانی در سایر مناطق کشور می باشند. در مجموع می توان گفت گرچه هویت جمعی و تا حدی سرمایه اجتماعی در هر دو محله در حد خوبی است ولی ساکنان محله میانه ها توانسته اند ظرفیت اجتماع محلی خود را در جهت کنش جمعی تنظیم نموده که این کنش منجر به تحول و جهش اقتصادی شده است.



شکل ۷: چرخه توسعه فعالیت های اجتماع محور (در قالب فرایند و نتیجه) برای کاهش فقر شهری در محله میانه ای ها با اقتباس از Pittman & Phillips, 2009

نتیجه گیری

رویه و عمل برنامه ریزی و برنامه های کاهش فقر، امروزه هم در سطح علمی و هم در سطح عملی به سوی تاکید بر تمرکز زدایی، دیدگاه از پایین به بالا، بکارگیری دانش بومی، مقتدرسازی شهروندان و برنامه ریزی همیارانه با حفظ تعادل در بین سه کنشگر اصلی یعنی جامعه مدنی، دولت و بخش خصوصی تاکید دارد. زیرا این پارادایم، ظرفیت های درونی محلات برای مبارزه با فقر، پرورش شهروندان مقتدر و توانمند، اصول دموکراسی و کارایی را در محلات شهری تقویت می کند. از این رو مقاله حاضر در دو بخش ابتدا به برخی عامل موثر در توسعه فعالیت های اجتماعات محلی و سپس ظرفیت راهبرد توسعه اجتماعات محلی را در کاهش فقر شهری را مورد واکاوی قرار داده است. زیرا اولاً به نظر می رسد که برنامه ریزان و تصمیم سازان اطلاعات کمتری درباره نوع و ویژگیهای محلاتی که توانایی بیشتری یا علاقمند تر در توسعه فعالیت های اجتماع محور دارند. دوم اینکه جایگاهی برای برنامه ریزی توسعه اجتماعات محلی در کاهش فقر شهری در نظام برنامه ریزی کشور ما دیده نمی شود و متأسفانه مسیر برخورد با فقر با ابزار نه چندان پایدار و کارآمد توزیع ناچیزی از پول نفت است که عموماً از طریق نهاده ها و دستگاههای دولتی صورت می گیرد و به توسعه اجتماعات محلی و مکانیزمی که اینگونه اجتماعات می تواند در برخورد با فقر داشته باشند، توجهی نشده است. بر این اساس ویژگی های محلات در کمک به توسعه اجتماعات محلی در سه حوزه مدیریت محله، رفاه اجتماعی محله و مسایل اقتصادی و محیطی مورد بررسی قرار گرفته است که خانوارهای با وضعیت اقتصادی مناسب بر خلاف انتظار در فعالیت های اجتماع محور که منتج به کاهش فقر می شود، مشارکت کمتری دارند. سرپرستان دارای وضعیت اقتصادی ضعیف نیز همانند پردرآمدها در فعالیت های اجتماع محور دو محله مورد مطالعه کمک کمتری دارند. در این بین ساکنان با وضعیت اقتصادی متوسط بیشترین کمک را به توسعه فعالیت های اجتماع محور داشته اند که مشارکت در امور اقتصادی و محیطی محله از بیشترین حجم این فعالیت ها را در بر داشته است. خانوارهای با سطح تحصیلات متوسط نیز در هر دو محله بیشتر از خانوارهای با سطح تحصیلات بی سواد و دانشگاهی منابع مالی و زمان در اختیار توسعه اجتماعات محلی نموده اند که این مقدار در بعد زمان در رفاه اجتماعی و در بعد مالی در مسایل اقتصادی و محیطی الویت نخست آنان بوده است. در سوی دیگر زنان سرپرست خانوار، سرپرستان بیکار و مهاجرین ساکن در محلات، کمترین مشارکت را در فعالیت های اجتماع محور داشته اند. همچنین افراد متعلق به اکثریت قومی محله یعنی آذری ها و کسانی با تعداد بیشتری از آشنایان و اقوام در محله، مشارکت و کمک بیشتری در فعالیت ها داشتند که این مشارکت بیشتر در حوزه مسایل اقتصادی دیده می شود. علاوه بر این سرپرستانی که دارای خانوادها با وسیع تر و سن بالاتر می باشند، بیشتر از سایر افراد خود را فعالیت های اجتماع محور درگیر نموده که نشان دهنده مشارکت کمتر نسل جوان با خانوادها کم جمعیت می باشد. همچنین گرچه در متغیرهای زمینه ای از قبیل سن، سواد و حتی زبان و قومیت بین دو محله میانه ای ها و دولتخواه تفاوت فاحشی وجود ندارد، لیکن میانه ای ها ظرفیت اجتماعی بهتری برای کنش جمعی داشته که این کنش جمعی منجر به تحول اقتصادی و خروج از تله فضایی فقر شده و جهش اقتصادی مناسبی را برای این محله در قیاس با محلات پیرامون به بار آورده است. در پایان پیشنهاد می شود، راهبرد برنامه ریزی توسعه اجتماعات محلی در نظام برنامه ریزی شهری ایران می تواند بسیار موثر واقع شود چرا که برنامه ریزی در سطح محله، برای اجتماعات میزبان رفاه اجتماعی، عدالت، بهکشت اقتصادی مناسب را می تواند در پی داشته باشد.

منابع

- ۱- اصغریور ماسوله، احمدرضا و همکاران(۱۳۸۹)، تحلیل کنش های جمعی و تطبیق آن با بافت فرسوده منطقه ثامن شهر مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی فرودسی مشهد.
- ۲- راز اندیشان عمران(۱۳۸۷)، طرح منظر شهری نعمت آباد غربی مرحله اول، سازمان نوسازی شهرداری تهران.
- ۳- قاضی زاده مرادی، حسن(۱۳۹۲)، در پیرامون خود مداری ایرانیان، چاپ هفتم، انتشارات کتاب آمه.
4. Agrawal, A., and C. Gibson. 2001. *Communities and the Environment: Ethnicity, Gender and The State In Community-Based Conservation*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
5. Agrawal, A. 2001. *Common Property Institutions and Sustainable Governance of Resources*. *World Development* 29 (10): 1649-72.
6. Baland, J. M. And Platteau, J. P. (1996) *Halting Degradation of Natural Resources: Is There a Role for Rural Communities?* Oxford: Oxford University Press.
7. Beard, V. 2013. *Citizen Planner: From Self-Help to Political Transformation*, Oxford Publication.
8. Beard, V. 2007. *Household Contributions to Community Development in Indonesia*. *World Development* 35 (4): 607-25.
9. Beard, V.A., And A. Dasgupta. 2006. *Collective Action And Community-Driven Development In Rural And Urban Indonesia*. *Urban Studies* 43(9):1-17
10. Chambers, R. 1997. *Who's Reality Counts? Putting the First Last*. London: Intermediate Technology Publications.
11. COLEMAN, J. S. (1990) *Foundations of Social Theory*. Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.
12. Carpenter, J. P., Danier, A. G. And Takahashi, L. M. (2004) *Social Capital And Trust In South-East Asian Cities*, *Urban Studies*, 41(4), Pp. 853-874.
13. Danier, A. G., Takahashi, L. M. And Naranong, A. (2002) *Social Capital, Networks, And Community Environments In Bangkok, Thailand*, *Growth And Change*, 33(4), P 453
14. Davis, M. 2006. *Planet of Slums*. London: Verso.
15. Economic and Social Commission for Western Asia "ESCWA"(2004). *Community-Driven As An Integrated Social Policy At The Local Level*, United Nation.
16. Evans, P., Ed. 2002. *Livable Cities? Urban Struggles for Livelihood and Sustainability Berkeley: University Of California Press*.
17. Elster, J. (1989): *Social Norms And Economic- Theory*. *Journal Of Economic Perspectives*, 3:99-117
18. Friedmann, John (2006). " *The Wealth Of Cities: Towards An Assets-Based Development Of Newly Urbanizing*.
19. Johnston, J., & Dinardo, J. (1997). *Econometric methods* (fourth ed.). USA: McGraw Hill.
20. Gibson, C., Mckean, M. A. And Ostrom, E. (Eds) (2000) *People And Forests: Communities, Institutions And Governance*. Cambridge, MA: MIT Press.
21. Hardin, G. (1968) 'The Tragedy Of The Commons', *Science* 162(3859): 1243-8.
22. Ostrom, E. (1990) *Governing the Commons: The Evolution Of Institutions For Collective Action*. Cambridge: Cambridge University Press

23. Olson, M. (1965) *the Logic of Collective Action: Public Goods and the Theory of Groups*. Cambridge, Ma: Harvard University Press.
24. Ostrom, E. (1995) *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*. Cambridge: Cambridge University Press.
25. Sandler, T. (1992) *Collective Action: Theory and Applications*. Ann Arbor, MI: University Of Michigan Press.
26. Rakodi, C., And T. Lloyd-Jones, Eds. 2002. *Urban Livelihoods: A Peoplecentered Approach To Reducing Poverty*. London: Earthscan Publications.
27. Mattessich, P. And Monsey, M. (2004) *Community Building: What Makes It Work*, St. Paul, MN: Wilder Foundation.
28. Philips R And Pittman R(2009): *An Introduction To Community Development, A Framework For Community And Economic Development*, Routledge Publications
29. Poteete, A. And Ostrom, E. (2004) *Heterogeneity, Group Size and Collective Action: The Role of Institutions In Forest Management, Development And Change*, 35(3), P. 435
30. World Bank (2006). "*Community-Driven Development In The Context Of Conflict-Affected Countries: Challenges And Opportunities*, [Www.World bank.Org](http://www.worldbank.org)
31. www.msarrafi.com